

باسه تیزپروازان نیروی هوایی ارتش گفت‌وگو کردیم

لبانان نوشته‌ام



عکس: مهرداد آزاد-جام جم

پشتیبانی هم نبود. به منشی‌ام گفتم به تک‌تک معاونت‌ها زنگ بزن. تا سه رده پایین‌تر هیچ کس گوشی را جواب نداد. به ساختمان مرکزی «کاگ ب» در مسکو رفتیم... رفت داخل و علت را جویا شد. در تمام معاونت‌ها و دفاتر هیچ‌کس پشت میز نبود و همه رفته بودند در سطح شهر کاری که از دست‌شان برمی‌آید انجام دهند. در زمان جنگ واقعا همین بود. هیچ فرمانده گردانی پشت میز نش نبود از جمله آقای ذوالفقاری که پیشگام بود.

۴ عملیات شناسایی قبل از حمله بود؛ این رفت و برگشت

نیاز به سوخت نداشت؟

شعاع عملیاتی هواپیمای فانتوم ۷۵۰ ناتیکال مایل (مایل دریایی) است؛ یعنی بدون سوخت‌گیری به راحتی می‌رود و برمی‌گردد. چهار دفعه سوخت‌گیری. چرا فانتوم چهار دفعه سوخت‌گیری کرد ولی این هواپیمای اراف ۴ شناسایی که حامل دوربین بود، بدون سوخت‌گیری رفت؟ آنها از مرز سوریه رفتند در مرز مشترک و دور زدند چون بار این هواپیما سبک است و توانستند این کار عظیم را انجام دهند و یک کار تاریخی و یکی از افتخارات آقای ذوالفقاری همین است. رفتن به جنگ با سام ۶ یکی دیگر از افتخارات اوست. ماموریت‌هایی که خیلی‌ها نتوانستند انجام دهند و شناسایی کاخ صدام. الان با چند کلیک می‌توانید لوکیشن و طول و عرض جغرافیایی کاخ صدام را در بیاورید. در زمان جنگ این داستان‌ها نبود و کسی نمی‌دانست کاخ صدام کجاست و دستور آقای بنی‌صدر که به هر قیمتی شما بروید کاخ صدام را شناسایی کنید. ایشان رفت و این کار را انجام داد.

۴ چه حیف که خاطرات آقای اسکندری را از زبان خودشان

نداریم...

مستندی در شرف تکمیل است با محوریت کتاب ناصر ایچکت نکن درباره آقای اسکندری و سعی شده در دوسه قسمت بتوانم جان کلام را بگویم. هرچند مستندی هزار قسمتی هم درباره ایشان کم است.

۴ در مورد «گنج جنگ» بفرمایید.

زرتشت می‌فرماید «من برای جنگ با تاریکی شمشیر نمی‌کشم؛ یک شمع روشن می‌کنم». در اوایل دهه ۸۰ که کارم را شروع کردم، دیدم این عزیزان یکی‌یکی پری می‌شوند. با ۲۸۰ خلبان و دیگر رسته‌ها توانستم مصاحبه کنم؛

از جمله آقای فرسیایی که در کتاب «فرمانده گردان ۱۱» خاطرات متعددی از ایشان هست و پیدا کردن پیکر شهید ذوالفقاری را همین خلبان انجام می‌دهد و چقدر مرگ غریبانه‌ای دارد.

بالاترین مرکز مطالعاتی آمریکا، ارتش آن را ششمین ارتش روز و مجهز دنیا طبقه‌بندی کرده؛ یعنی از روز اول جنگ، چنگ و دندان نشان می‌داد و ما با چنین دشمنی روبه‌رو بودیم.

۴ کمی از پدافند سام شش هم بگویید.

خبر می‌رسد که می‌خواهیم عراق را قبل از عملیات فتح‌المبین بمباران کنیم. خط مقدم عراق سام شش آورده و گفته اگر وارد منطقه شوید، می‌زنیم‌تان. آقای ذوالفقاری که تجربیاتی از جنگ و رویارویی با سام شش دارد، می‌گوید سام شش به ارتفاع ۵۰ هزار پا نمی‌رسد و طبق داده‌هایی که اطلاعات نظامی ارتش اعلام کرده، سام شش تا ۷۰ هزار پا هر هواپیمایی را می‌زند. اینجا دروغ شوری رو می‌شود و می‌گویند سام شش تا ۳۵ هزار پا بیشتر بالا نمی‌آید!

۴ در حقیقت ایشان با رفتنش خطر کرده است.

بله دقیقاً. پیشگامی و پیشاهنگی ایشان به عنوان فرمانده گردان ۱۱ و کسی که در خط مقدم است، ستودنی است. وزیر اقتصاد شوری در خاطره‌ای از روزهای آخر فروپاشی شوری تعریف می‌کند که در روزهایی که شوری خیلی به هم ریخته و نزدیک فروپاشی بود، زنگ زد به فرمانده «کاگ ب» برای دریافت یک سری اطلاعات. کسی گوشی را بر نداشت. زنگ زد به معاونت عملیات، معاونت



در انتقال فرهنگی

متاسفانه نیروی

هوایی و سازمان

ارتش سازوکاری

که پیشکسوتان

دفاع مقدس را در

یگان‌های مختلف

بگرداند، ندارند

ولی آمریکایی‌ها

و آژانتینی‌ها این

کار را می‌کنند

از نیروی هوایی با من تماس هم نگرفته‌اند!



۴ شما چطور دست به انتخاب می‌زنید؟ چه ویژگی‌هایی

باعث می‌شود بروید سراغ خلبان‌های خاص؟

در طی این بیست و سه چهار سال، مطالعات و مشاهدات مختلف و گفت و شنودهای مختلفی انجام دادم. اولین خلبانانی که ما سال ۸۲-۸۳ رفتیم و مصاحبه کردیم، در سازمان صنایع هوایی مشغول کار بودند.

به امیر نظری گفتم که عملیات حمله به اچ ۳ واقعیت داشته یا نه؟ گفت: بله؛ یعنی چی؟... ناراحت شد. گفتم امیر تعجب نکنید؛ من فرصت پیدا کردم بیایم خدمت شما و تنها چیزی که از این عملیات می‌دانیم همین فیلمی است که پخش شده. گفت: بله وجود داشته. گفتم: عکسی هم وجود دارد؟ گفت: یک عکس دسته جمعی با حضرت امام دارند آن را بیاور نشان بدهم. و بعد شماره امیر خلبان برات پور را به من دادند و من چند دفعه به مدت ۴۵-۴۰ دقیقه با ایشان صحبت کردم تا راضی شدند.

۴ فکر می‌کردم در تولید کتاب‌های شما، پشتیبانی از طرف

خود نیروی هوایی هم بوده.

۲۳ سال است در خدمت عزیزان هستم، در این سال‌هایی که از این آقایان فرمانده نیروی هوایی که تا الان چهار یا پنج نفر عوض شده‌اند، حتی معاون عملیات، حتی جانشین، حتی هماهنگ کننده‌اش تماسی با من نگرفته است.



۴ باز نشسته‌ها و پیشکسوت‌ها چطور؟

پیشکسوت‌ها هم درگیر معیشت هستند و دل‌زده از شرایط کنونی.

۴ زدن پل ارتباطی نیروهای عراقی مهاجم به خرمشهر از منظر

حرفه‌ای کار دقیق بود یا به طور اتفاقی انجام شده؟

عملیات هوایی و هر مقوله‌ای در بحث هوانوردی با محاسبات است. هیچ چیزی شانسی اتفاق نمی‌افتد کما این‌که برای زدن این پل سه دفعه اعزام شدند و خلبان‌ها رفتند در منطقه و پل را پیدا نکردند.

۴ خلبان اسکندری در برگشت از یکی از ماموریت‌ها پل را

می‌بیند؟

خیر، بچه‌های گردان شناسایی پل را پیدا می‌کنند. عرض کردم که رهبری می‌فرمایند به بحث تکنولوژی در جنگ بپردازید. ما در سال ۶۶ با چه دشمنی درگیر بودیم؟ با عراقی که پنتاگون یعنی